



سهند

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگران ایران

سال اول - شماره نوزدهم

۸ شهریور ۱۳۹۳ - ۳۰ آگوست ۲۰۱۴

سر دبیر: سهند هلق

سخنی با خوانندگان



نشریه سهند به خاطر تأخیر در انتشار و همچنین ایرادات نشر در شماره‌های قبلی از تمام خوانندگان محترم پوزش می‌طلبد. در ماه گذشته به علت پاره‌ای مشکلات فنی، انتشار نشریه به صورت هفتگی امکان‌پذیر نبود و در همین راستا دو شماره قبل به همت همکاران نشریه منتشر شد، نشریه سهند ضمن تشکر از رفقای کمیته آذربایجان به خاطر انتشار دو شماره قبل، مجدداً از تمام خوانندگان محترم نشریه به خاطر دیرکرد و ایرادها پوزش می‌طلبد.

همان طور که مستحضر هستید؛

”سهند نشریه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران است- هدف این نشریه تبلیغ و سازمان‌دهی برای ایجاد یک جامعه بهتر و انسانی‌تر است، جامعه‌ای که انسان‌ها در آن آزاد باشند، تمام شهروندانش از حقوق و امکانات برابر و همه آحادش از آسایش و رفاه مناسب برخوردار باشند.

این نشریه مدافع برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی، طرفدار رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض بر حسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت، مبلغ و مدافع کامل آزادی مذهب و بی‌مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت است.

یک هدف برجسته این نشریه، در کنار و همزمان با بسیج و متحد کردن فعالین سکولار، چپ و سوسیالیست در آذربایجان حول سیاست‌های انقلابی حزب علیه جمهوری اسلامی، افشاء سیاست‌های ضد انسانی، مغایر شئون انسانی و تفرقه‌افکنانه ناسیونالیسم آذری است.

مسئلاً دخالت فعال شما تأثیر بسزایی در غنای سیاسی و تنوع مطالب مندرج در این نشریه خواهد داشت، برای این نشریه مطلب بنویسید، ما را از اتفاقات مختلف محیط پیرامونتان، از اخبار مبارزاتتان و همین‌طور، از نظراتتان در مورد نکات مطرح‌شده در این نشریه مطلع کنید، ما سعی خواهیم کرد سؤالات شما در عرصه‌های مختلف را با صاحب‌نظران آن عرصه‌ها در میان بگذاریم و جواب آن‌ها را در شماره‌های بعدی درج کنیم.

دست همکاری به طرف شما دراز می‌کنیم و دست شما را برای همکاری با این نشریه و اهداف آن به گرمی می‌فشاریم. *

نشریه سهند

سال اول - شماره نوزدهم

۸ شهریور ۱۳۹۳ - ۳۰ آگوست ۲۰۱۴

سر دبیر: سهند مطلق

ایمیل:

Sahand.publication@gmail.com

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

<http://sahandpublication.wordpress.com/>

www.facebook.com/sahandkomiteazarbaijan

نشریه هفتگر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگر ایران



زندگی حاشیه‌نشینی در شهرها، ریشه‌ها و علل اجتماعی آن و راه مقابله با آن

مصاحبه با فراز آزادی

موضوعیت ندارد) و در ادامه ما با اصلاحات ارضی محمد رضاشاه پهلوی تحت نام انقلاب سفید شاهد این خلع ید بودیم. این زحمتکشان رها شده از روستا، بدون هر گونه توشه‌ای وارد شهرها می‌شوند و برای محل زندگی خود و خانواده‌شان یا باید خانه‌ای کرایه کنند و یا در صورت عدم توانایی در پرداخت کرایه‌خانه با حداقل امکان مالی، اقدام به ساخت خانه و حتی در خیلی از موارد آلونک می‌کنند. تهیه زمین در شهرها به دلیل گران بودن برای این زحمتکشان مشکل است و بنابراین چاره‌ای ندارند جز انتخاب محلی از شهر که زمین در آن حداقل قیمت را داشته باشد و این جایی جز حاشیه شهر نیست. بدین ترتیب زندگی در حاشیه شهرها به این زحمتکشان تحمیل می‌گردد و یا در حقیقت چاره‌ای جز زندگی در چنین شرایط سخت را ندارند؛ و اما در رابطه با این بخش از سؤال شما که چرا در ایران با این همه ثروت بیکران موجود در جامعه، میلیون‌ها انسان باید این‌چنین با فقر و فلاکت روبرو شوند؟ می‌توانم بگویم که در سیستم سرمایه‌داری اساساً اکثریت قریب به اتفاق مردم، انسان‌هایی که برای امرار معاش و زندگی کردن چیزی جز نیروی کار خود ندارند، بدون فروش نیروی کار قادر به زندگی نیستند و کلیه امکانات جامعه در دست دولت و سرمایه‌داران است و از نظر قوانین موجود، مردم حقی نسبت به ثروت‌های

سپند: در نشریه شماره قبل در رابطه با موضوع حاشیه‌نشینی در شهرهای آذربایجان نوشته‌ای داشتیم، به نظر شما اساساً چطور حاشیه‌نشینی در شهرها ایجاد می‌شود و چرا عده‌ای از مردم باید در جامعه‌ای مانند ایران که از نظر ثروت، منابع طبیعی زیرزمینی و رو زمینی یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیاست، در حاشیه شهرها زندگی کنند؟

فراز آزادی: حاشیه‌نشینی مردم ریشه در بنیادهای اقتصادی نظام سرمایه‌داری دارد. از دوره‌ای که در ایران نظام سرمایه‌داری بنیان گذاشته شد (تقریباً از اوایل سده سیزده شمسی) - از زمان روی کار آمدن رضاشاه پهلوی، برای تداوم و گسترش تولید سرمایه‌داری در ایران، نیاز به نیروی کار بیشتری بود و به همین دلیل مشخصاً در ایران تحت حاکمیت رژیم پهلوی این مهم با خلع ید از تولیدکنندگان روستایی آغاز گردید. منظور از خلع ید از زحمتکشان روستا این است که نیروی کار شاغل در روستا که برای اربابان و زمین‌داران کار می‌کردند، باید کار در روستا را رها کرده و به شهر رو آورند و در شهر دنبال کار بگردند و بدین ترتیب از دست ارباب خلاص شده و در اختیار سرمایه‌دار قرار گیرند. این کار از لحاظ تاریخی به راحتی صورت نگرفت خون و خونریزی‌هایی اتفاق افتاد، مقاومت اربابان و ملاکان را در اقصی نقاط ایران به همراه داشت (که در این مصاحبه

می‌گیرد و تا به امروز هم به این شکل بوده است) مردم ساکن محلات را به همراه خانواده‌هایشان جمع کرده و با تجمع در مقابل ادارات مختلف شهرداری‌های شهرها، خواهان توقف تخریب خانه‌ها و تأمین امکانات شهری باشند. مردم در مواقعی که مأمورین برای تخریب به این محلات حمله می‌کنند، می‌توانند با تجمع و مقاومت عمومی در مقابل این اقدام ضد انسانی مأمورین مقاومت کنند. بنا به تجربه صدها بار این مقاومت‌ها جواب داده است. تا به امروز هم روش مقابله با تعرض دولت این بوده و فقط در مواردی که مردم به صورت پراکنده عمل کرده‌اند، رژیم قادر به تخریب خانه‌ها شده است و عموماً در مقابل مردم متحد و متشکل قادر به تخریب نمی‌شوند؛ بنابراین در این محلات، با سازماندهی مقاومت مردمی در مقابل تعرض شهرداری‌ها و مبارزه متحدالشکل حول خواست‌های به حق مردم، امکان تغییر شرایط زندگی مقدور است. این مردم به لحاظ تاریخی کارهای بزرگی در انقلاب ۵۷ صورت داده‌اند و انتظار می‌رود که بار دیگر با اتکا به این تجربیات و برای دفاع از زندگی‌شان، نیروی خود را دست کم نگیرند و باراده جمعی‌شان دست به اقدامات مهمی بزنند و این اقدامات همان طور که گفتم سال‌هاست که دارد تجربه می‌شود و باید به این تجربیات واقف بود و استفاده نمود.

سپند: با تشکر از شما و وقتی که در اختیار نشریه قرار دادید.

موجود در آن جامعه که در دست دولت حامی سرمایه‌داران است، ندارند و قرار نیست که از این ثروت در جهت رفاه و آسایش و مسکن مردم هزینه شود. در شرایط امروز ایران هم همه شاهدیم و هر روزه می‌بینیم و می‌شنویم که چطور این همه ثروت توسط باندهای حکومتی به تاراج می‌رود. نتیجه انباشت ثروت‌های بیکران میلیاردری به دلار و یورو همین می‌شود که می‌بینیم چطور سران نظام و باندها برای سهم بزرگ‌تر به جان هم می‌افتند و کار بجایی می‌رسد که دست همدیگر را رو می‌کنند و شروع به افشای دزدی‌های همدیگر می‌کنند و از طرف دیگر، همان طور که در گزارش هفته گذشته خواندیم، تنها در شهرهای آذربایجان مردم در تعداد صدها هزار نفر در حاشیه شهرها و اکثراً بدون امکانات اولیه شهری زندگی نکبت باری را تحمل می‌کنند.

سپند: با توجه به توضیحاتی که در سؤال بالا دادید، ما شاهد زندگی سخت و مشقت‌بار صدها هزار نفره در حاشیه شهرهای آذربایجان هستیم، خوب به نظر شما برای اینکه این بخش از مردم بتوانند شرایط زندگی‌شان را بهبود ببخشند، چه کار باید بکنند و فکر می‌کنید آیا با وجود رژیمی مانند جمهوری اسلامی که همین زندگی فلاکت‌بار را هم برای این زحمتکشان حاشیه‌نشین زیادی می‌داند و هر از چند گاهی با فرستادن مأمورین شهرداری‌ها به سراغشان، خانه‌های محقرشان را هم می‌خواهد بر سرشان خراب کند، امکان تغییر دادن شرایط زندگی برایشان مقدور است؟

فراز آزادی: من فکر می‌کنم همان طور که مبارزات تاریخی همین مردم زحمتکش نشان داده است، اتفاقاً در صورت مبارزه متشکل و متحد و سازمان‌یافته، امکان به عقب راندن رژیم، نه تنها برای به رسمیت شناختن محل زندگی، بلکه تأمین برق و آب و گاز برای خانه‌هایشان نیز هست. در انقلاب ۵۷ ایران، انقلاب با مبارزات زحمتکشان حاشیه‌نشین شهرها شروع شد. مشخصاً در تهران که مرکز انقلاب بود و بعدها در شهرهایی مانند اهواز و تبریز و اصفهان و مشهد نقش زحمتکشان حاشیه شهرها در انقلاب زبازد خاص و عام بوده و در تاریخ مبارزات انقلابی مردم در انقلاب ۵۷ ثبت شده است. بعد از انقلاب نیز این مبارزات به اشکال مختلف و برای خواست‌های متفاوتی ادامه داشته و دارد. خیلی از محلات حاشیه شهرها در نتیجه مبارزات مردم از امکانات شهری برخوردار شدند و در محدوده شهرهای بزرگ و کوچک رسمیت یافتند و همچنان این مبارزه ادامه دارد؛ بنابراین به نظر من کاملاً ممکن است که این مردم نه تنها بتوانند جواب دندان‌شکنی با مقاومت و مبارزه خود به مأمورین شهرداری‌ها بدهند، بلکه قادرند که امکانات شهری از قبیل کوچه بندی و آسفالت خیابان‌ها و تأمین آب و برق و گاز را به محل زندگی‌شان بیاورند. این‌ها همه در گرو مبارزه متحد، هماهنگ و متشکل و سازمان‌یافته این مردم است. جوانان و زنان و مردانی که در این مناطق نقش پیشرو در دفاع از محل زندگی‌شان دارند، می‌توانند با فراخواندن مجمع عمومی (که معمولاً در این محلات به راحتی صورت

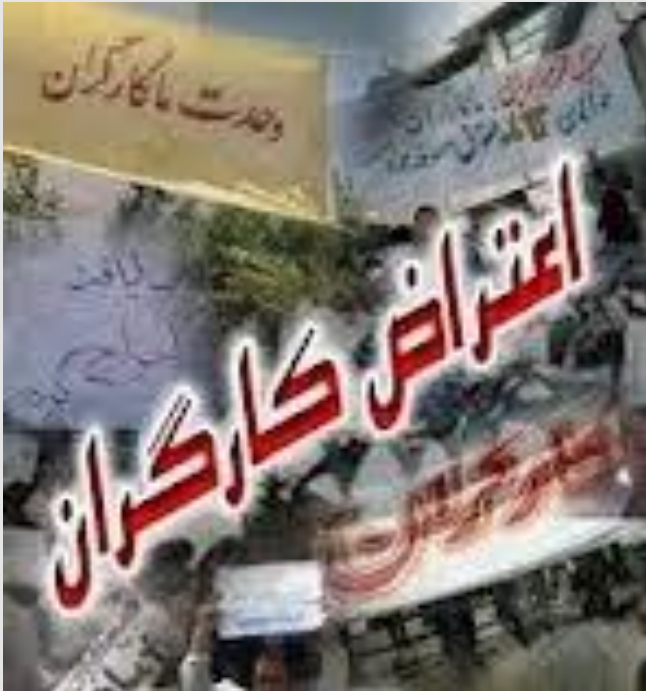


از لابه لای اخبار

مصداق گوهر



استاندار آذربایجان شرقی و "بحران‌های کارگری" در تبریز



کرده است؛ اما باز به اعتراف خود استاندار هنوز بخشی از این "بحران‌های کارگری" حل نشده باقی مانده است. کارگران و رهبران عملی و فعالین کارگری باید این اعتراف استاندار به قدرت اعتراض و مبارزه‌شان را جدی گرفته و از آن به عنوان اهرم فشار و مبارزه هر چه گسترده‌تر کارگران برای تحمیل خواست‌هایشان به حکومت دزدان و قاتلان بهترین بهره را به نفع خود ببرند. این اعتراف حکومت در عین حال اعترافی به شکننده بودن حکومت در برابر اعتراضات کارگران است. واقعیت این است که قدرت اعتراض و مبارزه متشکل کارگران این قدرت و توان را دارد که حکومت را به زانو درآورد. کارگران در جهت تقویت و متشکل کردن این مبارزات باید هر چه گسترده‌تر و سازمان‌یافته‌تر و با خواست‌های روشن به میدان بیایند. زمینه این اعتراضات کاملاً وجود دارد. حکومت و باندهای استانی‌اش قدرت و توان رویارویی با اعتراضات گسترده و خیابانی هزاران کارگر را ندارند. قدرت کارگران در شکل و مبارزه است. این قدرت کارگران مقامات حکومتی را به تقلا و دست و پا زدن انداخته و این باندها را در موقعیت ضعیفی قرار داده است. با یک خیز متشکل و قدرتمند این مبارزات، به طور مشخص جنبش نقد کردن دستمزدهای معوقه همزمان با خواست افزایش دستمزدها، می‌شود دولت و کارفرمایان را وادار به پرداخت دستمزدهای معوقه کرد. این کار شدنی است.*

هفته گذشته جبار زاده استاندار آذربایجان شرقی در نماز جمعه تبریز گفت: "در اولین روزهایی که بنده به این استان آمدم شاهد اعتراضات کارگری به دلیل عدم پرداخت حقوق کارگران و بروز بحران در بخشی از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی بودم که خوشبختانه باهمت و تلاش مسئولان در جهت ساماندهی بخش صنعت و تولید، امروز تمام این مشکلات حل شده یا در حال حل شدن است."

صرف‌نظر از ادعای استاندار مبنی بر "حل مشکلات کارگران" که واقعیت ندارد، نفس طرح بحث اعتراضات کارگران در نماز جمعه حکومت، اعتراف رسمی این مقام رژیم به گسترده بودن اعتراضات و مبارزات کارگری در تبریز می‌باشد. اعترافی که نشان می‌دهد در طول این مدت مبارزات و اعتراضات کارگران بر علیه سیاست کثیف عدم پرداخت دستمزدها با قدرت ادامه داشته و حکومت را وادار کرده که هر چند ناچیز، در تلاش برای خاموش کردن "اعتراضات کارگران" باشد. تلاشی که البته نه به خواست جناب استاندار و در جهت رسیدگی به مشکلات کارگران، بلکه در جهت آنچه وی "مهار بحران‌های کارگری" نامیده است، بوده. "بحران‌های کارگری" اما قدرت روز و اعتراض و مبارزه کارگران است که کارفرمایان و دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرما را مجبور کرده به برخی از خواست‌های کارگران گردن نهد و گرنه اوضاع حکومت در برابر گسترش این اعتراضات، وخیم‌تر می‌شد. بر اساس اخبار و گزارش‌ها در یک سال گذشته ده‌ها مورد اعتراض و مبارزه کارگران برای نقد کردن دستمزدهای معوقه در تبریز در جریان بوده است. از اعتراضات در خودروسازی‌های بنز خاور، قطعات یدکی، ایران‌خودروی تبریز، پتروشیمی، تراکتورسازی و کبریت‌سازی و ده‌ها کارخانه دیگر می‌شود نام برد. به یک معنا جنبش قوی و قدرتمند کارگران برای نقد کردن دستمزدهای معوقه یک "خطر جدی" برای حکومت بوده است. خطری که بارها مقامات استانی حکومت به آن اعتراف کرده‌اند. این "خطر" هنوز برای حکومت جدی است. هنوز ده‌ها هزار کارگر صنعتی برای نقد کردن دستمزدهایشان با حکومت و کارفرمایان درگیر مبارزه در اشکال گوناگون می‌باشند. همین که ایشان در نماز جمعه رسمی حکومتی به این موضوع اعتراف کرده است، خود بیانگر قدرت، ابعاد و گستردگی مبارزه کارگران می‌باشد که حکومت را به تلاش و تقلا برای "حل بحران‌های کارگری" مجبور

زمین خواری ۲۰۵ هکتاری در اردبیل توسط باندهای دولتی



محسن زاده از باندهای حکومتی در باره ماجرای این زمین خواری گفته است: "در سال ۱۳۶۳ و به دنبال چند نوبت درج آگهی در روزنامه‌های رسمی کشور ۲۰۵ هکتار از اراضی پیکستان روستای لمعه دشت خلخال اراضی ملی اعلام شد و در مالکیت دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت." بر اساس این خبر مردم روستاهای این مناطق از حق استفاده از این زمین‌ها منع شده‌اند چرا که در مالکیت دولت می‌باشد و دولت در نظر دارد این زمین‌ها را به بخش خصوصی برای کشاورزی واگذار نماید.

در همین رابطه جلیل جعفری نماینده مجلس شهرستان‌های خلخال و کوثر در مجلس در این باره گفته: "استفاده بیش از ۲۰۰ هکتار از اراضی ملی شده و مستعد کشاورزی بلااستفاده در منطقه پیکستان خلخال حق اهالی روستای لمعه دشت بوده و انتظار می‌رود در صورت واگذاری این زمین‌ها به بخش خصوصی مسئولان منابع طبیعی استان حق اهالی بومی منطقه را در اولویت واگذاری لحاظ کنند."

این سیاست زمین خواری رسمی باندهای دولتی همیشه مورد اعتراض مردم این منطقه بوده است. اکنون بعد از گذشت ۳۰ سال و اعتراضات مردم مناطق یاد شده، به ویژه روستای پیکستان لمعه دشت به نحوه تصاحب مالکیت زمین‌ها توسط دار و دسته‌های حکومتی، باندهای حکومتی مجبور شده‌اند اعتراف نمایند: "که مردم می‌توانند در باره مالکیت این زمین‌ها شکایت کنند." در همین رابطه بلافاصله اداره منابع طبیعی و جنگل‌های رژیم در منطقه تهدید کرده

است که هر گونه تصاحب این اراضی "تجاوز به اراضی ملی تحت مالکیت جمهوری اسلامی بوده و با متخلفان به شدت برخورد خواهد شد."

در این ماجرا باندهای دولتی رسماً ۲۰۵ هکتار زمین را از مردم این مناطق به زور گرفته و تحت مالکیت خود درآورده‌اند. باندهای حکومتی تصمیم دارند زمین‌های مصادره شده مردم را به بخش خصوصی برای کشاورزی واگذار نمایند. اعتراضات ساکنان این مناطق به این تصمیم دولت ادامه دارد. دزدان حکومتی و باندهای تحت امرشان چندین سال است که با درست کردن اسناد دولتی با مهر و امضای مقامات حکومتی، صدها هزار هکتار از زمین‌های مردم در سراسر کشور را به نفع خودشان مصادره کرده‌اند. اعتراضات مردم علیه این سیاست‌ها نه فقط در اردبیل و آذربایجان، بلکه سایر مناطق کشور ادامه دارد. زمین‌خواران دولتی و حکومتی با حمایت و

پشتیبانی و قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی، هر ساله هزاران هکتار زمین مرغوب را مصادره و بین باندهای خودشان تقسیم می‌کنند. مردم لمعه دشت خلخال نیز در این میان از قربانیان حکومت دزدان و قاتلان می‌باشند. در برابر این سیاست‌های دولت دزدان نباید ساکت نشست و باید همچون مردم این مناطق اعتراض کرد.*

با نشریه سهند
همکاری کنید!

تبریز دانش آموزانی که در کانکس درس می‌خوانند!

شهرداری‌ها و مقامات ادارجات گوناگون زندگی هزاران نفر از مردم ساکنان این مناطق را تبدیل به جهنم کرده‌اند. درآمدهای باندهای دولتی از این مردم فقیر کافی است تا مدارس و کلاس‌های درس استاندارد ساخته شود. ولی سودجویی و دزدی حکومت دزدان و مأموران محلی‌اش، همه درآمدها را بالا کشیده و ده‌ها مشکل دیگر بر سر راه زندگی این مردم فقیر می‌گذارند. شهرداری تبریز و ارگان‌های مربوطه‌اش از ارگان‌های رسمی سازمان‌دهی دزدی‌های باندهای حکومتی در تبریز می‌باشند. این‌ها کاری به غیر از دزدی و سرکوب و ساختن زندان ندارند. تأمین حداقل‌های یک زندگی بخور و نمیر، از جمله امکان دسترسی به مدرسه و کلاس‌های استاندارد برای هزاران دانش‌آموز امر این‌ها نبوده و نمی‌باشد. مردم برای به دست آوردن همه چیز باید دست به اعتراض و مبارزه برعلیه دولت بزنند. هر آنچه که این مردم امروز دارند نتیجه اعتراض و مبارزه مردم و تحمیل خواست‌هایشان به حکومت است. در این مورد مشخص، یعنی ساختن کلاس‌های درس استاندارد و مدرسه، رفع مشکل آب و ده‌ها مشکل دیگر، مردم چاره‌ای جز اعتراض و مقاومت و مبارزه و تحمیل خواست‌هایشان به حکومت دزدان ندارند. برای به دست آوردن همه این امکانات باید به خیابان آمد و حکومت را مجبور کرد به خواسته‌های بر حق مردم جواب بدهد.*

اشتباه نکنید این خبر از مناطق زلزله‌زده ورزقان با وضعیت اسفناک نیست. این خبر مربوط به تبریز یکی از بزرگ‌ترین و ثروتمندترین شهرهای کشور است. این خبر در خبرگزاری حکومتی ایسنا آمده است. در این رابطه بابایی رئیس کمیسیون تحقیق و نظارت شورای شهر تبریز گفت: «مهاجرات معکوس باعث ایجاد مشکلات کمبود آب و کلاس درس در روستاهای پیرامون تبریز شده است. هم اکنون در حیاط مدارس کانکس گذاشته شده و با این حال باز هم کمبود کلاس درس در این روستاها به چشم می‌خورد. تعداد این موارد حدود ۳۰ روستا می‌باشد که با تبریز در ارتباط هستند.»

این وضعیت مدارس روستاهای اطراف شهر تبریز است که مقام حکومتی به آن اعتراف کرده است. در کنار کمبود مدرسه و کلاس‌های استاندارد، این مقام حکومتی بی‌شرمانه در صدد توجیه این وضعیت آمده و گفته است: «که بزرگ‌ترین مشکل این روستاها کمبود آب و راه می‌باشد که ما البته از مردم عوارض می‌گیریم ولی صرف امورات دیگر می‌شود.» یعنی برای ساخت مدرسه و کلاس درس بودجه و پول ندارند. باندهای حکومتی و شهرداری از مردم ساکن اطراف شهرهای بزرگ پول و عوارض به بهانه‌های گوناگون اخاذی می‌کنند که این خود یک منبع درآمد بزرگ برایشان می‌باشد و در عوض هیچ مشکلی از مردم و رفع کمبودهایشان حل نمی‌کنند. دزدان





حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

کارگران شرکت صدرا برای دریافت حقوقهای معوقه دست به اعتراض زدند!

بنا به خبر درج شده در رسانه ها، ۳۰ نفر از کارگران شاغل در پروژه میانگذر ارومیه با امضا طوماری خواهان پرداخت ۹ ماه حقوقهای معوقه خود شدند. کارگران با توجه به اینکه پروژه به اتمام رسیده و شرکت در حال برچیدن تجهیزات کارگاهی اش است، بدرست تشخیص داده اند که باید با اقدام قاطعانه تری پیگیری دریافت حقوقهای معوقه شان باشند.

کارگران راههای دیگر اعتراضی را نیز برای دریافت حقوقهایشان باید برگزینند. از جمله تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار استان به عنوان کارفرمای اصلی پل میانگذر میتواند یکی از راههای موثر میباشد. مبارزه کارگران تا دریافت همه حقوقهای معوقه شان باید ادامه یابد. کارگران راهی جز مبارزه متحدانه و مداوم تا رسیدن به حقوقهایشان ندارند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اعتراض و پیگیری کارگران برای دریافت حقوقهای معوقه شان، از کارگران میخواهد که نباید تنها به نوشتن طومار اعتراضی بسنده کنند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ آگوست ۲۰۱۴ برابر با ۶ شهر یور ۱۳۹۳

همانطور که در خبر آمده است، کارفرما حتی به رای اداره کار مبنی بر پرداخت حقوقها هم توجهی نمیکند و عملاً برای نقد کردن معوقات مطالبات خودش از کارفرمای اصلی، کارگران را وجه المصلحه قرار داده

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم همیشه بازگرداندن اختیار به انسان است.



مشخصات ماهواره هات برد:
فرکانس ۱۱۲۰۰ - اف ای سی ۵/۶ عمودی
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
شبکه negah e shoma

تلویزیون کانال جدید در سایت
GLWIZ زیر اسم NEGAH E
SHOMA نیز قابل مشاهده است.
WWW.GLWIZ.COM

برنامه مستقیم کانال جدید به زبان ترکی

تهیه کننده و مجری: محسن ابراهیمی

هر هفته شنبه ها

۹ تا ۱۱ شب تهران ۶:۳۰ تا ۸:۳۰ اروپای مرکزی

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: +۹۸۵۶۹۸۹۷-۱۳۱۰

این برنامه همزمان در اینترنت قابل دسترسی است